

## بررسی قرائت صحیح قرآن کریم از دیدگاه ائمه

- سید محسن میری \*
- محمد فاکر میبدی \*\*

### چکیده

پژوهش حاضر به تبیین و بررسی حدیث «أَمَّا نَحْنُ فنَقْرَأُ عَلَى قِرَاءَةِ ابْنِ» و مواجهه شیعیان در دوره حضور ائمه علیهم السلام با موضوع قرائت و چگونگی خواندن قرآن کریم به طریق ائمه علیهم السلام می پردازد. با توجه به اهمیت بحث قرائت قرآن کریم هدف از پژوهش حاضر، بیان نحوه قرائت ائمه علیهم السلام است. نتیجه این پژوهش نشان می دهد، که ائمه علیهم السلام دارای قرائت واحد بوده و اصحاب و یاران خود را نیز به قرائت واحد امر می نمودند و قرائت های دیگر را مردود و گمراهی می خوانند.

واژگان کلیدی: قرائت ائمه، امام صادق علیه السلام، اختلاف، قرائت ابی.

---

\* دانش پژوه دوره دکتری رشته تفسیر علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف.

\*\* استاد تمام سطوح عالی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.

## مقدمه

از جمله مسائل مهم مطرح شده در زمینه قرائت و تلاوت قرآن کریم، نحوه درست قرائت نمودن این کتاب الهی است، که از ابتداء نزول قرآن توجه قاریان را به خود جلب نمود و باعث پیدایش آراء و نظرات مختلف و وجود اختلاف قرائت در عرصه کتاب الهی گردیده است. یکی از دغدغه‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام نحوه صحیح خواندن قرآن بوده و همیشه سعی بر آن داشتند تا مردم را رهنمون سازند به این سمت که، قرآن یک قرائت بیشتر ندارد و قرائت‌های گوناگون قرآن خارج از حقیقت قرآن هستند و باید از آن پرهیز شود. پژوهش حاضر، با روش تحلیلی - توصیفی و با رویکردی قرآنی - حدیثی، تحلیل حدیث «أَمَّا نَحْنُ فنَقْرَأُ عَلَی قِرَاءَةِ ابْنِ» را مورد بررسی قرار داده است. تبیین این حدیث به منظور ارتقای سطح بینش فراگیران علم قرائت می‌باشد. در پژوهش حاضر سعی شده از منابع دست اول و منابع متعدد مرتبط با موضوع بحث استفاده شود. موضوع پژوهش از موضوعات جدید و نو می‌باشد. که در حال حاضر کتاب و مقاله و پژوهشی با این عنوان نوشته نشده است. امید که قدم کوچک در راستای فهم این حدیث برای پژوهش‌گران دینی باشد.

## مفهوم‌شناسی

نخستین قدم در فهم هر مطلب، تلاش برای شناخت واژگان به کار رفته در آن است. لذا پیش از پرداختن به بحث مورد نظر ارایه تعریفی از اختلاف قرائت، برای روشن شدن مفهوم این دیدگاه ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا بدون داشتن تعریف مشخص از آنها نمی‌توان در مورد این بحث موضع‌گیری نمود.

## اختلاف

**اختلاف در لغت:** نقیض اتفاق، عدم موافقت، ناسازگاری، ناسازواری، با یکدیگر خلاف کردن. (بیهقی، ۱۳۶۶) اختلاف، مصدر باب افتعال از ریشه «خلف» است. خلف در اصل به معنای پشت سرهم آمدن دو چیز و نشستن یکی در جای دیگری، پشت سر، و تغییر آمده است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۲۱۰) طبرسی می‌گوید: امتناع ذاتی جمع شدن دو چیز با یکدیگر. (طبرسی،

۱۴۱۵، ص ۱۲۵) اصفهانی بیان می‌دارد: اختلاف پیش گرفتن هر يك راهی غیر از دیگری در حال یا قول است. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۹۳) فیروزآبادی اختلاف را این‌گونه بیان کرده است: ضد اتفاق، این یکی بعد از آن اتفاق افتد. (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۳۰۷) جوهری می‌گوید: خلف، به معنای آمد و شد نیز آمده است. (جوهری، ۱۴۰۷، ص ۱۳۵۴)

**اختلاف در اصطلاح:** «اختلاف» اغلب برای رأی و دیدگاه به کار می‌رود. اختلاف پدیده‌ای است که نمی‌توان آن را از بین برد؛ چون نماد اراده‌ای است که در انسان به ودیعت نهاده شده است؛ زیرا اراده به ناچار به اختلاف و تفاوت نظر منجر می‌شود. علامه ابن قیم به خوبی به این نکته پی برده است او می‌گوید: «وقوع اختلاف میان مردم امری ضروری و حتمی است، چون اهداف، میزان فهم و توان درک‌شان متفاوت است آنچه بد است تجاوز و دشمنی آنان با هم است.» (ابن‌بیه، ۱۳۹۰)

## قرائت

**قرائت در لغت:** به معنای خواندن و پیوست برخی از حروف و کلمات به برخی دیگر. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۶۸)

**قرائت در اصطلاح:** قرائت عبارت از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن است. قرائت‌ها نحوه اجرای کلمات قرآن را آموزش می‌دهد. (ابن‌الجزری، ۱۴۲۰، ص ۹) خواندن قرآن به شیوه خاص. (صاحب، ۱۴۱۴، ص ۴۹۶) خواندن را از آن جهت قرائت گویند که در خواندن حروف و کلمات کنار هم جمع می‌شوند. (قرشی، ۱۴۱۲، ص ۲۶۰)

## نحوه قرائت صحیح از دیدگاه امام صادق علیه السلام

موضوع قرائت قرآن و اختلاف در قرائت رابطه تنگاتنگ و مستقیم با نص قرآن کریم دارد به طوری که اثبات آزادی در قرائت قرآن، تحریف قرآن کریم را در پی دارد. کیفیت قرائت قرآن یکی از مهم‌ترین و ارکان اساسی موضوعات قرآن کریم بوده است. آنچه پر واضح است قرآن کریم به یک طریق از جانب پروردگار بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است. در زمان آن حضرت، هیچ‌گونه اختلافی در کیفیت تلاوت قرآن وجود نداشت، اما پس از رحلت آن بزرگوار، روایات صحابه از

آن حضرت درباره بعضی از حروف و کلمات و کیفیت ادای آنها به طرق گوناگون نقل شده و از جانب سلسله راویان آنان نیز نقل و امتداد یافته است. گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ پس از رحلت آن بزرگوار، به جمع‌آوری قرآن در مصحف‌های اقدام نمودند که از آن جمله‌اند: عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، معاذ بن جبل و مقداد بن اسود، اینان در مواردی، درباره ضبط نصی از قرآن و یا چگونگی قرائت آن، با یکدیگر اختلاف داشتند مردم هر منطقه از مناطق جهان اسلام، قرآن را بر حسب مصحف آن صحابی که نزد آنان بسر می‌برد، قرائت می‌کردند.

به عبارت دیگر: مردم کوفه، قرائت ابن مسعود و اهل بصره، قرائت ابوموسی اشعری و مردم شام، قرائت ابی بن کعب را پذیرفته بودند و دیگر مناطق نیز به همین نحو از قرائت یکی از صحابه تبعیت می‌کردند. (طاهری، ۱۳۷۷، ص ۳۹۹)

اما آنچه در باب قرائت درست از ائمه علیهم‌السلام به دست ما رسیده حدیث مشهور و معروف امام صادق علیه‌السلام است، در این زمینه که می‌فرمایند: «أَمَّا نَحْنُ فَتَقْرَأُ عَلَيَّ قِرَاءَةَ أَبِي» از این روایت استفاده می‌شود که خواندن قرآن بر قرائت‌های گوناگون جایز نیست و تنها یک قرائت می‌تواند صحیح باشد. برای درک بهتر کلام امام علیه‌السلام از این حدیث و اینکه منظور امام علیه‌السلام از لفظ ابی چه کسی است. به بررسی حدیث می‌پردازیم.

### بررسی دلالت و سند حدیث

برای فهمیدن صحت حدیث، راه‌های مختلفی وجود دارد، که مهم‌ترین آن بررسی دلالت و سند حدیث می‌باشد. به این معنی که الفاظ حدیث دلالت بر چه معنی دارد و شرایط که حدیث در آن بیان شده چگونه بوده است. یا اینکه آیا اشخاص (راویان) موجود در سند حدیث مورد اعتماد و ثقه می‌باشند. در ذیل بحث پژوهش حاضر به بررسی و تبیین این «حدیث جلیل» از حیث دلالت و سند همت گماشته است.

### بررسی حدیث از حیث دلالت

حدیث مزبور نحوه قرائت صحیح از نظر ائمه علیهم‌السلام را بیان می‌دارد. از آنجائی که حدیث به طور واضح بیان شده است، بحث مهم از حیث دلالت، در این حدیث به لفظ «ابی» بر می‌گردد؛ زیرا

همزه در این حدیث حرکتی ندارد و دو احتمال در این جا مطرح می‌گردد، که آیا منظور امام از لفظ ابی پدر است. «واژه اب در لغت عرب به معنای پدر آمده است. (اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۸)» یا ابی بن کعب صحابه پیامبر ﷺ بوده است. در این زمینه دو دیدگاه مطرح شده است. عده‌ای ابی را بر لفظ پدر و عده‌ای آن را بر لفظ ابی بن کعب حمل نموده‌اند. اما نظرات در باب این دو احتمال.

### دیدگاه اول

اشخاصی که لفظ ابی را بر معنی پدرم حمل نموده‌اند.

حدیث این گونه نقل شده است: «بن فرقد والمعلی بن خنیس، قالوا: کنا عند ابی عبدالله ع، فقال: إن کان ابن مسعود لا یقرأ علی قراءتنا فهو ضالٌّ ثم قال: أما نحن فنقرأه علی قراءة ابی.» (کلینی، ۱۴۲۱، ص ۶۳۴؛ عاملی، ۱۴۱۴، ص ۷۵) به طور آشکار امام صادق ع تنها یک قرائت را تأیید می‌کند. قرائت‌های دیگر را مردود و گمراهی می‌خوانند، حتی اگر از عبد الله بن مسعود باشد.

اینکه حضرت فرمود:

اقا، ما مانند «ابی» می‌خوانیم. شاید بتوان گفت امام ع با ربیعه به مسامحه برخورد کرده است تا حرمت صحابه در نظر ربیعه محفوظ بماند و تا مطلبی را که در باره ابن مسعود فرمودند جبران نماید. زیرا ائمه هدی ع از کسی جز پدرانشان، پیروی نمی‌کنند؛ چرا که دانش آنان از علم الهی سرچشمه گرفته است. و از این حدیث هم چنین استفاده می‌شود که قرائت «ابی» موافق قرائت ائمه ع است و یا با قرائت آن بزرگواران مطابقت بیشتری دارد. (حسینی، ۱۳۷۸، صص ۱۶۸-۱۶۸)

سیفی بیان می‌دارد:

لفظ «ابی» به صورت همزه مفتوح و یاء مکسوره خوانده می‌شود. یعنی امام باقر ع نه ابی یکی از قاریان، با فرض این که مراد ابی باشد، احتمال رعایت کردن تقیه است. برای همدردی با ربیعه؛ با توجه به بیان امام ع در مورد ابن مسعود، که منزلت بزرگ نزد امام ع داشت. (سیفی، بی تا، ص ۲۱۸) «أما نحن فتقرأ علی قراءة ابی» بفتح الهمزة و تخفیف الیاء؛ یعنی الباقر ع لا «ابی» من أحد القراء. و علی فرض کونه المراد، یحتمل رعاية جانب التقية؛ استعطافاً لربیعة الرأی؛ نظراً إلی ما

جاء فی تعبیر الامام علیه السلام فی حق ابن مسعود الذی کان عظیم المنزلة عندهم.

صاحب حدایق می گوید:

شاید کلام امام در آخر حدیث، از باب تنزل و رعایت ربیعہ رای واقع شده است؛ زیرا ابن مسعود در زمان خود مورد تأیید اهل تسنن قرار داشت. یا به منظور جلوگیری از سخنان وی در مورد ابن مسعود و گمراه کردنش، چرا که قطعا او در نزد امام علیه السلام از جایگاه رفیع مخصوصاً در قرائت قرآن کریم برخوردار بود. و الا قطعا ائمه علیهم السلام از کسی تبعیت نمی کنند؛ زیرا آنها خود متبوع هستند نه تابع. (بحرنی، بی تا، ص ۹۸-۹۹) «لعل کلامه فی آخر الحدیث إنما وقع علی سبیل التنزل و الرعاية لربیعة الرأي؛ حیث إنه معتمد العامة فی وقته؛ تلافياً لما قاله فی حق ابن مسعود و تضلیله له، مع أنه عندهم بالمنزلة العلیاء سیما فی القراءة، و إلا فانهم علیهم السلام لا یتبعون أحداً و إنما هم متبوعون لا تابعون»

صاحب جواهر می گوید:

اگر چه ظاهر کلام همین است که از امام علیه السلام صادر شده است و منافات با تقیه دارد به ویژه که ابن مسعود در نزد اهل البیت علیهم السلام از جایگاه خاصی برخوردار است. در غیر صورت درست نخواهد بود؛ زیرا ائمه متبوع هستند نه تابع. (جواهری، ۱۳۶۲، ص ۲۹۵) فی الجواهر: «وإن كان الظاهر أن ذلك منه علیه السلام إصلاح لما عساه مناف للتقية من الكلام الأول، خصوصاً و ابن مسعود عندهم بمرتبة عظيمة، و إلا فهم المتبعون لا التابعون».

علامه تبریزی می گوید:

روشن نمی شود از صحیحہ اینکه کلام امام صادق علیه السلام در مورد کدام نوع از قرائت است پس احتمال دارد کلام در مورد اختلاف قرائت باشد و در مورد که اختلاف پیدا می کند حکم به اختلاف قرائت، زیرا که قرائت امام صادق علیه السلام حق است و مطابق با واقع است و هر قرائت که با این قرائت اختلاف داشته باشد او گمراه خواهند بود و اما سخن حضرت که در آخر حدیث که فرمود: ما بر طبق قرائت ابی قرائت می کنیم میان دو چیز مردد است اول اینکه منظورش پدرش باشد دوم اینکه ابی ابن کعب که یکی از قراء معروف است و مورد دوم بعید است؛ زیرا ائمه علیهم السلام متبوع هستند نه تابع و از غیر خودش پیروی نمی کنند و امکان دارد از باب رعایت تقیه باشد زیرا که ابن

## بررسی قرائت صحیح قرآن کریم از دیدگاه ائمه □ ۱۰۱

مسعود نزد اهل تسنن از جایگاه بلندی برخوردار بود و عنوان قاری بزرگ به او داده‌اند. پس امام علیه السلام خواسته است این بزرگی را بشکند و چونکه قرائت امام علیه السلام موافق با ابی است و خارج از قرائت معروفه نیست. (تبریزی، ۱۴۳۱، ۳۵۲) أقول: لم يظهر من الصحيحة أنّ مورد كلام الإمام علیه السلام في القراءة في أي مورد، فيحتمل أن يكون الكلام في اختلاف القراءة في مورد يختلف الحكم باختلاف القراءة، و حيث إنّ قراءته علیه السلام هو الحقّ المطابق للواقع فيكون خلاف تلك القراءة في الحقيقة ضلالة، و أمّا قوله علیه السلام في الذيل: «أما نحن فنقرأه على قراءة أبي» فيتردد أن يكون أبيه علیه السلام أو أبي المعروف من القراء، و هذا الثاني مع أنه بعيد حيث إنّ الإمام علیه السلام لا يتبع غيره يمكن أن يكون ذكره لرعاية نوع من التقيّة، حيث إنّ ابن مسعود عند العامة صاحب الجلالة و العنوان القارئ الكبير فالإمام علیه السلام خفف ثقل ما ذكره أولاً بما ذكر؛ لأنّ قراءته علیه السلام في ذلك المورد كان موافقاً لقراءة أبي و لم يكن خارجاً عن القراءة المعروفة.

## دیدگاه دوم

اشخاصی که لفظ ابی را بر معنی ابی بن کعب یکی از قراء حمل نموده‌اند.

علامه استاد معرفت رحمته الله درباره این حدیث می‌نویسد:

شاید در آن مجلس درباره قرائت‌های غیر متعارف ابن مسعود بحث می‌شده‌است و امام علیه السلام به آنان تذکر داده که این قرائت‌ها جایز نیست و قرائت صحیح، همان قرائت عامه مسلمانان است و کسی که از این روش متداول عامه، تخطی کند گمراه است، زیرا چنین کسی از روش مسلمانان که نسلاً بعد نسل از پیامبر صلی الله علیه و آله فراگرفته‌اند، عدول و تخطی کرده‌است. و اگر ابن مسعود قرآن را بر خلاف روش مسلمانان قرائت می‌کرده‌است (به فرض صحت نسبت) گمراه است؛ زیرا طریق میانه، طریقی است که جامعه مسلمان در آن مشی می‌کنند و کسی که از این راه میانه گام بیرون نهد، هرکس باشد گمراه خواهد بود. اما این گفته امام که ما قرآن را طبق قرائت «ابی» می‌خوانیم، برخی در لفظ «ابی» احتمال داده‌اند که بدون تشدید (به معنای پدرم) باشد؛ ولی این احتمال بعید است؛ زیرا قرائت يك امام با قرائت سایر ائمه علیهم السلام تفاوتی ندارد.

(معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲؛ ۱۴۲۸، صص ۱۶۹-۱۷۰)

علامه کاشانی بیان می‌دارد:

در روایت «أما نحنُ علی قرائةِ ابی» درباره واژه آخر (ابی) دو احتمال وجود دارند: یکی اینکه گفته شود: «أبی» اسم علم است، و دیگر آنکه کسی بگوید: این واژه مرکب از دو کلمه: «اب» و «ی» متکلم وحده باشد؛ یعنی پدرم. تفاوت معنا با توجه به هر یک از دو احتمال روشن است. مرحوم فیض احتمال دوم را بسیار بعید می‌داند. (کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۱۷۷۶)

خوبی در کتابش بیان می‌دارد که:

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر ابن مسعود مانند ما قرائت نکند گمراه است. ربیعة الرأی گفت: آیا گمراه است؟! امام علیه السلام فرمودند: آری، اما، ما طبق قرائت ابی، قرآن را تلاوت می‌کنیم. احتمال بسیار ضعیف است که منظور از این عبارت پدرم یعنی امام باقر علیه السلام باشد. بهرحال، پس اون قرائت حمل می‌شد بر مورد خاص، که در این صورت این قرائت شاذ یا مغایر با معنی می‌شود. وقتی فهمیدی که این تعیین به اثبات رسید بود. حتماً با تواتر نقل می‌شد و از واضحات می‌بود که چگونه ادعای اجماع بر جایز بودن قرائت با هر تلاوت عادی شده است. (خوبی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۳) «إن كان ابن مسعود لا يقرأ علی قراءتنا فهو ضال، ثم قال أما نحن فنقرؤه علی قراءة أبی و احتمال ضعيفاً أن تكون العبارة هكذا علی قراءة أبی یعنی الباقر علیه السلام و کیف كان، فهي محمولة علی إرادة مورد خاص كانت القراءة فيه شاذة أو مغيرة للمعنى، لما عرفت من أن التعيين لو كان ثابتاً لنقل بالتواتر و كان من الواضحات، کیف و قد ادعی الإجماع علی جواز القراءة بكل قراءة متعارفة.»

شاید در آن مجلس درباره قرائت‌های غیر متعارف ابن مسعود بحث می‌شده و امام علیه السلام به آنان تذکر داده که این قرائت‌ها جایز نیست و قرائت صحیح، همان قرائت عامه مسلمانان است و کسی که از این روش متداول عامه تخطی کند گمراه است، زیرا چنین کسی از روش مسلمانان که نسلاً بعد نسل از پیامبر فرا گرفته‌اند، عدول و تخطی کرده است. و اگر ابن مسعود قرآن را بر خلاف روش مسلمانان قرائت می‌کرده است (به فرض صحت نسبت) گمراه است، زیرا طریق میانه، طریقی است که جامعه مسلمانان در آن مشی می‌کنند و کسی که از این راه میانه گام برون نهد، هرکس که باشد گمراه خواهد بود.



اما این گفته امام که ما قرآن را بر طبق قرائت ابی می خوانیم، اشاره است به دوران یکسان شدن مصحف‌ها در عهد عثمان که ابی بن کعب قرآن را املاء می کرد؛ و گروهی آن را بر وفق املاء او می نوشتند و هرگاه در مورد نص اصلی اختلاف داشتند، برای رفع اختلاف به وی مراجعه می کردند و مصحف موجود که مورد قبول عامه مسلمانان است، بر طبق املاء ابی بن کعب است و قرائت منطبق بر قرائت ابی بن کعب، کنایه از التزام به چیزی است که هم‌اکنون عامه مسلمانان بر آنند. (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲) «اما قوله: اما نحن فنقرأ علی قراءة ابی، ای ابی بن کعب، فإشارة الی حادث توحید المصاحف علی عهد عثمان، حیث کان المملی أیبا، و الجماعة یکتبون علی املائه، و یرجعون الیه فی تعیین النص الاصل عند الاختلاف فالمصحف الموجود - الذی علیه عامة المسلمین - هو من املاء ابی، فالقراءة وفق قراءة ابی کنایة عن الالتزام بما علیه عامة المسلمین الآن.»

از داود بن فرقد و معلی بن خنیس منقول است که گفتند:

ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم و ربیعة الرأی هم با ما بود. امام علیه السلام درباره فضیلت قرآن سخن می گفت. در سخنان خود فرمود: اگر ابن مسعود قرائتی مانند قرائت ما نداشته باشد و مانند ما قرائت نکند گمراه است. ربیعة الرأی گفت: آیا گمراه است؟! امام فرمودند: آری، اما، ما طبق قرائت ابی بن کعب، قرآن را تلاوت می کنیم. (الکافی، ص ۴۶۳؛ وسائل، ۱۴۱۴، ص ۸۲۱)

امام علیه السلام قرائت خودشان را همان قرائت ابی بن کعب می داند که مطابق قواعد اعراب است و متعارف می باشد. و هر قرائتی جز آن را گمراهی می داند حتی اگر این قرائت از عبدالله بن مسعود باشد. و این بهترین دلیل بر لزوم قرائت واحد است. اما ما خاندان اهل بیت، بر قرائت ابی بن کعب قرآن را قرائت می کنیم! در این روایت امام علیه السلام می فرماید: ما بر یک قرائت هستیم و آن قرائت ابی است. (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷)

در کتاب وافی از این حدیث فهمیده می شود که قرائت صحیح قرائت ابی بن کعب است و این با عقاید اهل بیت علیهم السلام هم خوانی دارد، با این تفاوت که این قرائت امروز برای ما ضابطه مند نیست؛ زیرا قرائت ابی در تمام کلمات قرآن به ما نرسیده است. و چه بسا این لفظ

به صورت ابی مضاف به یاء متکلم «پدرم» نوشته می شود. که این بعید به نظر می رسد. (کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۱۷۷۶؛ بحرانی، بی تا، ص ۹۸) «المستفاد من هذا الحديث أن القراءة الصحيحة هي قراءة أبي بن كعب و أنها الموافقة لقراءة أهل البيت ع إلا أنها اليوم غير مضبوطة عندنا إذ لم يصل إلينا قراءته في جميع ألفاظ القرآن وربما يجعل المكتوب بصورة أبي في هذا الحديث الأب المضاف إلى ياء المتكلم و هو بعید جدا»

### معرفی اجمالی ابی بن کعب

علامه بحرالعلوم در کتاب رجال خود می فرماید: ابی بن کعب که کنیه اش ابوالمنذر است از قاریان بزرگ و نویسنده وحی بوده و از اصحاب پیمان عقبه است. او از اصحاب جنگ بدر و فقیه و از انصار و اولین کسی است که برای پیغمبر ﷺ نویسندگی داشته و از فضیله صحابه و اعیان آنان محسوب می شود.

علامه حلی در کتاب رجال می نویسد: ابی جزء ۷۰ نفری است که در عقبه با پیغمبر ﷺ بوده و برای آن حضرت کتابت وحی می نموده است و رسول خدا ﷺ او را با سعید بن عمرو بن نفیل برادر قرار داد و او در بدر و عقبه دوم حاضر بوده و با پیغمبر اکرم ﷺ بیعت نموده است. (زرنندی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۱) مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب مناقب می نویسد: كَانَ أَبِي بِن كَعْبٍ وَ زَيْدُ بِن ثَابِتٍ يَكْتُبَانِ الْوَحْيَ (آشوب، بی تا، ص ۱۶۲) ابی بن کعب و زید بن ثابت در زمان پیغمبر ﷺ وحی را می نوشتند.

درباره نقش قرائت واحد و یکپارچه پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در میان مردم و جایگاه برتر آن می توان به نمونه قرائت ابی اشاره کرد. او پس از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام صحابه را اقراء می کرد؛ یعنی استاد قرائت آنان بود. علت این که ابی، پس از امیر المؤمنین علی علیه السلام سمت مقری را احراز کرد، این بود که وی برای فراگیری قرائت صحیح، همه قرآن را نزد پیامبر ﷺ خواند. (کلینی، ۱۴۲۱، ص ۶۳۴)

### دلالت روایت

با توجه به آنچه بیان شد روایت فوق دلالت بر یک قرائت واحد داشته و امام علی علیه السلام افراد را نهی

## بررسی قرائت صحیح قرآن کریم از دیدگاه ائمه □ ۱۰۵

کردند از قرائات مختلف و هر کسی از آن تخطی کند گمراه است، حتی اگر اون شخص از صحابه باشد.

لفظ «فَنَقَرًا» با توجه به قرائن قبل روایت به امام صادق علیه السلام بر می‌گردد. چنانکه داود بن فرقد و معلی بن خنیس می‌گویند: ما بودیم و ربیعة الرأی هم بود در حالیکه امام علیه السلام فضیلت قرائت بیان نموده و فَنَقَرًا گفتند.

لفظ «ابی» اگر چه که در این روایت دارای دو احتمال است؛ اما آنچه از مفهوم این لفظ به دست می‌آید منظور ابی «پدرم» است. چرا که دانش آنان از علم الهی سرچشمه گرفته است. و کسی که خود معدن علم است از کسی که در رتبه پایین‌تر از او قرار دارد پیروی نمی‌کند.

### بررسی حدیث از حیث سند

وقتی حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام نقل شود، اشخاصی که حدیث را نقل کرده‌اند، یک به یک نام برده می‌شوند، تا «سلسله اسناد» روشن شود. با بررسی اسناد حدیث مشخص می‌شود که روایتی جعلی، یا اینکه صدور آن مورد اطمینان است. اعتبار سندی حدیث بر عمل یا رد آن در استدلال‌ات اثری مستقیم می‌گذارد، معیار اعتبار در سند یک حدیث آن است، که راویان آن ثقة باشند. راویان حدیث ورد بحث از این قرار است.

محمد بن یعقوب الكلینی مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِي بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ وَالْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، قَالَا: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَمَعَنَا رَبِيعَةُ الرَّأْيِ، فَذَكَّرْنَا فَضْلَ الْقُرْآنِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنْ كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ لَا يَقْرَأُ عَلَي قِرَاءَتِنَا، فَهُوَ ضَالٌّ» فَقَالَ رَبِيعَةُ: ضَالٌّ؟! فَقَالَ: «نَعَمْ، ضَالٌّ». ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «أَمَّا نَحْنُ، فَتَنَقَّرًا عَلَي قِرَاءَةِ أَبِي»  
(کلینی، ۱۴۲۱، ص ۶۷۴؛ کاشانی، ۱۴۱۶، ص ۶۱؛ کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۷۷۶)

### شرح حال راویان حدیث

حدیث مورد نظر را شش نفر از صحابه؛ محمد بن یعقوب الكلینی، محمد بن یحیی، احمد بن محمد بن عیسی، علی بن الحکم، عبدالله بن فرقد، المعلی بن خنیس؛ از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند. شرح حال راویان حدیث مزبور بدین شرح است:

### محمد بن یعقوب الكلینی

در کتب تراجم و تاریخ همگان از موافق و مخالف در بیان جایگاه شخصیتی و علمی کلینی از فضل و عظمت منزلت وی یاد کرده‌اند. (تفرشی، ۱۴۱۸، ص ۳۵۲) به سبب تقوا، علم و فضیلت او، مردم شیعه و سنی در رفع مشکلات دینی و گرفتن فتوا به وی مراجعه می‌کردند. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۵۴) و ایشان را به «ثقه الاسلام» ملقب ساختند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۲۱)

شیخ طوسی با تعبیر دانشمندی جلیل القدر، عالم به روایت، ثقه و عالم به اخبار یاد می‌کند. (ابن طاووس، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۶، ص ۳۶۴) نجاشی دانشمند رجالی شیعه، او را شیخ و پیشوای شیعه در «ری» در زمان خویش و موثق‌ترین آنها در حدیث و ضبط آن معرفی می‌کند. (ذهبی، ۱۴۱۳، ص ۲۸۰) عالمان شیعی دیگر نظیر ابن شهر آشوب علامه حلی، ابن داوود حلی، تفرشی، اردبیلی و سید ابوالقاسم خویی نیز تعبیر و عبارات شیخ طوسی و نجاشی را تأیید کرده‌اند. سید بن طاووس، وثاقت و امانت او را در نقل حدیث مورد اتفاق همگان می‌داند. ابن اثیر از مورخان اهل سنت، کلینی را در زمره بزرگان و علمای امامیه می‌شمارد.

### محمد بن یحیی

هر یک از رجال‌شناسان محمد بن یحیی عطار را به بزرگی و عظمت یاد کرده و به وثاقت و صداقت و علم و تقوا ستوده‌اند. نجاشی می‌نویسد: «محمد بن یحیی، استاد اصحاب ما دارای شخصیتی مورد توجه و اعتماد، صاحب امتیاز و کثیرالحدیث بود.» (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۴۰) میرزا حسین نوری، صاحب مستدرک الوسائل در هر سندی که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن مورد وثوق وی باشد، می‌گوید: تمام آنها از موثقین هستند و هیچ خلافتی در آنها نیست. یا این سند در اعلی درجه صحت است. یا تمام افراد این سند از بزرگان هستند که هیچ تأملی در آنها نیست. (مرعشی، ۱۴۰۳، ص ۳۶۵) میرداماد درباره سندی که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن هم مورد اطمینان وی باشند، می‌گوید: صحیح و عالی الاسناد است. وی محمد بن یحیی عطار قمی را به کثرت روایت و وثاقت می‌ستاید. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۳۷)

### أحمد بن محمد بن عیسی

احمد بن محمد بن عیسی اشعری، محدث امامی از شاگردان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بود. شیخ طوسی و نجاشی از او با عنوان «شیخ القمیین و وجههم و فقیههم» یاد کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۳۸) ابن حجر عسقلانی او را «شیخ الرافضه بقم» خوانده است. (عسقلانی، ۱۳۲۹، ص ۲۶۰)

### علی بن الحکم

علی بن الحکم منسوب به بن الزبیر، صیارفه است و شاگرد ابن ابی عمیر می باشد. با اصحاب امام صادق علیه السلام زیاد ملاقات می کرد و او مانند ابن فضل و ابن بکیر است. «وهو ينسب إلى بني الزبير الصيارفة، وعلی بن الحکم تلميذ ابن ابی عمیر، لقی من أصحاب أبی عبد الله الكثير وهو مثل ابن فضال وابن بکیر.» (خونی، ۱۴۱۳، ص ۴۲۵) صاحب کتاب حدیث است (رفاعی، ۱۳۷۱، ص ۹۸) علامه طوسی و علامه حلی گفتند: «علی بن الحکم الکوفی ثقة و جلیل القدر است.» (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۳؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۷)

### عبدالله بن فرقد

در الوسایل داوود بن فرقد گفته شده است. رجالیان متقدم (نجاشی، طوسی و...) وی را توثیق کرده اند. (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۶؛ ابطحی، ۱۴۱۷، ص ۴۶۶) و نجاشی تعبیر «ثقة ثقة» را برای او آورده است. (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۱۵۸) کشی روایاتی از داوود بن فرقد از امام صادق علیه السلام آورده است که ظاهراً حاوی تأیید آن حضرت و دال بر مدح و جلالت قدر وی است. (مامقانی، ۱۴۲۳، ص ۲۳۹) اینکه بزرگان شیعه و مشایخ سرشناس حدیث و راویان مورد اعتماد، کتاب داوود را روایت کرده اند، گویای جایگاه والای او است و نشان می دهد که روایات داوود، صحیح و پیراسته از هرگونه وهن است. (ابطحی، ۱۴۱۷، ص ۴۷۶) نام داوود بن فرقد در اسناد قریب به ۱۴۰ روایت در کتب اربعه شیعه آمده است. (خویی، ۱۴۱۳، صص ۹۷-۹۸)

### المعلی بن خنیس

معلا بن خنیس از اصحاب و کارگزاران امام صادق علیه السلام است گروهی از علما به وی اعتماد

کردند، از جمله شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۵ ص ۳۰۴، و، ۱۴۱۱ ص ۳۴۷) احمد بن عبدالله البرقی (برقی، ۱۴۳۳، ص ۲۶) علامه الحلّی (حلّی، ۱۴۱۷، ص ۴۰۹) از جمله علما و بزرگان شیعه، و هم‌چنین بیشتر علمای متأخر به او اعتماد داشتند. (ساعدی، ۱۳۸۳، ص ۵۱)

## ویژگی‌های حدیث صحیح

- ۱ سلامت نص روایت از نظر لغوی و قواعد نحوی.
- ۲ پاک بودن سند حدیث از دروغ‌گویان، جاعلان، سیاست‌بازان و اهل تحریف.
- ۳ سلامت نص روایت از تناقض و تعارض با اخبار صحیح.
- ۴ مخالفت نکردن نص حدیث با آیات صریح قرآن و امور بدیهی عقلی (اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۸۷؛ عاملی، ۱۴۲۶، ص ۱۱۴).

در بررسی سند این حدیث می‌توان گفت: از آنجایی که فقها حدیث را صحیح می‌خوانند و به آن اطمینان می‌کنند که سلسله سند آن از طریق راویانی ثقة و امامی مذهب به معصوم برسد و این روایت توسط راویان ثقة امامی به امام معصوم رسیده لذا با توجه به حال راویان این روایت دیده می‌شود که روایت صحیح بوده و قابل اعتماد است.

## نتیجه

از بررسی دلالت و سند، در تبیین حدیث «أَمَّا نَحْنُ فَتَقْرَأُ عَلَيَّ قِرَاءَةَ أَبِي» نتیجه پژوهش حاضر این‌گونه بدست می‌آید: که امام صادق علیه السلام خواندن قرآن بر قرائت‌های گوناگون را جایز نمی‌دانند و تنها يك قرائت را به عنوان قرائت صحیح بیان می‌دارند. اگرچه که برای لفظ «ابی» دو احتمال وجود دارد؛ اما آنچه از مفهوم این لفظ به دست می‌آید و می‌توان به عنوان دیدگاه صحیح و منتخب مطرح کرد این است که منظور امام علیه السلام از این لفظ، قرائت پدران‌شان است. چرا که دانش آنان از علم الهی سرچشمه گرفته است و خود معدن علم‌اند لذا مطبوع از تابع پیروی نمی‌کند. هم‌چنان این روایت توسط راویان ثقة امامی به امام معصوم علیه السلام رسیده لذا با توجه به حال راویان این روایت دیده می‌شود که روایت صحیح بوده و قابل اعتماد است.

## کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ج ۸، ۱۳۸۶.
- ابن الجزری، محمد بن محمد، *منجد المقرئین و مرشد الطالبین*، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ج ۱، ۱۴۲۰.
- ابن طاووس، جعفر بن محمد، *کشف المحججه لثمره المهججه*، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۷۰.
- ابن فارس، احمد بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، قم، منشورات مکتب التبلیغ الاسلامی التابع للحوزة العلمیة، ۱۴۰۴.
- ابو القاسم، موسوی الخوئی، *معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة*، قم، مؤسسه الخوئی الإسلامیة، ج ۱۲، چاپ پنجم، ۱۴۱۳.
- ابوجعفر احمد بن علی بیهقی، *تاج المصادر*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۶.
- احمدی، حبیب الله، *پژوهشی در علوم قرآن*، فاطیما، قم، ۱۳۸۱.
- اردبیلی، محمد بن علی، *جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد*، بیروت، دارالاضواء، ج ۲، ۱۴۰۳.
- آشوب، ابن شهر، *المناقب آل ابی طالب*، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ج ۱، بی تا.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ج ۸، بی تا.
- البرقی، ابوجعفر، *رجال البرقی الطبقات*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۳.
- تفرشی، محمد بن حسین، *نقد الرجال*، قم، آل البيت، ج ۴، ۱۴۱۸.
- جوهری، أبو نصر، *الصحاح اللغة و صحاح العربیة*، ج ۴، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *الوسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴.
- حسینی مرعشی، محمد باقر (مشهور به داماد)، *التعلیقه علی کتاب الکافی*، قم، مطبعة الخیام، ج ۱، ۱۴۰۳.

- حسینی، حسین، هفده گفتار در علوم قرآنی، بدر، تهران ۱۳۷۸.
- حلی، حسن بن علی بن داوود، رجال ابن داوود، نجف، مطبعة حیدریه، ۱۳۹۲.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال، بی جا، الفقاهه، ۱۴۱۷.
- خویی، السید ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، قم، موسسه الخویی الاسلامیه، ج ۱۹، ۱۴۱۳.
- \_\_\_\_\_، المستند فی شرح العروه الوثقی، قم، موسسه الخویی الاسلامیه، ۱۴۱۴.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، موسسه الرساله، ج ۱۵، ۱۴۱۳.
- راغب الأصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم، ج ۴، ۱۴۱۲.
- رفاعی، عبد الجبار، معجم ما کتب عن الرسول وأهل بیته، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۱.
- ساعدی، حسین، المعلی بن خنیس، قم، دارالحديث، ۱۳۸۳.
- سیفی مازندرانی، علی أكبر، دروس فی القواعد التفسیریة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
- الصاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیوت، عالم الکتب، ج ۱، ۱۴۱۴.
- طاهری، حبیب الله، درس های از علوم قرآنی، ج ۱، قم، اسوه، ۱۳۷۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹.
- طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة، تحقیق: عباد الله الطهرانی وعلی أحمد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، قم، موسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷.
- \_\_\_\_\_، رجال الطوسی، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۵.
- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم، دارالحديث، ج ۱، ۱۴۲۶.
- عسقلانی، احمد ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹.
- فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، قم، موسسه الهادی، ج ۱، ۱۴۱۶.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- فیض کاشانی، مولی محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین علی علیه السلام، ج ۹، ۱۴۰۶.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ۱۴۱۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (کتاب فضل القرآن)، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ج ۲، ۱۴۲۱.



\_\_\_\_\_، الکافی، قم، دارالحدیث ج ۴، ۱۴۳۰.

مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث،  
ج ۲۶، ۱۴۲۳.

محمد علی، رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)، قم، مرکز  
بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۲.

\_\_\_\_\_، قرآن پژوهی خاور شناسان، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ج ۹، ۱۳۹۰.  
محمدی زرنندی، السید میر، بحوث فی تاریخ القرآن، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة  
لجماعة المدرسين، ۱۴۲۰.

معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱.

\_\_\_\_\_، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ج ۲، ۱۴۲۸.  
الموحد ابطحی، محمد علی، تهذیب المقال کتاب الرجال للشیخ الجلیل ابی العباس  
احمد بن علی النجاشی، قم، مولف، ج ۵، ۱۴۱۷.

میرزا جودا تبریزی، تنقیح مبانی العروه، قم، دارالصدیقه الشهیده علیها السلام ج ۳، چاپ اول، ۱۴۳۱.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸.

نجفی جواهری، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۹، ۱۳۶۲.

